University of Sistan and Baluchestan

Studies in Comparative Religion and Mysticism

Online ISSN: 2676 - 5195

Ideal man in the eyes of ancient Chinese thinkersWith emphasis on the word Jun zi

Seyedjalal Emam [1]

1. Corresponding Author, Department of Chinese History and Culture and Philosophy, Xi'an University of International Studies, China, China. E-mail: emamjalal@xisu.edu.cn

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 11 October 2024
Received in revised form: 14 November 2024
Accepted: 23 November 2024
Published online: 25 March 2025

Keywords:
Perfectionism,
Jun,
Perfect Man,
Chinese Philosophy,
Daoism,
Ideal Man

ABSTRACT

Objective: Like all philosophical schools and of course religions, the characteristics of the ideal human being have been described in detail in the Chinese philosophical schools. Although there is almost no belief in the existence of a perfect human being in the works of the elders of the Chinese schools of thought however, there have been many teachings on self-improvement and efforts to reach the position of an ideal human being. By enumerating the characteristics of "Jun Ze", the sage Confucius put him in the form of a model in front of the society and enumerated his moral characteristics and led the audience to acquire moral virtues. Although this term was previously used to refer to the aristocracy, it seems that after repeated repetitions in the words of Confucius, the term Junze appeared in the form of an ideal man or a word equal to an ideal man.After him and following him as the first teacher in ancient Chinese thought, other Chinese thinkers also used the same term when recounting the moral points and characteristics of an ideal man, and called it the ideal man and the characteristics they wanted. counted However, there have been thinkers who, by using words, names or other terms, have expressed a view of the personality and characteristics of an ideal or perfect human being and have introduced a model to the society, which we will also refer to in this research.The preceding text is collected only by using Chinese sources and tries to directly understand other languages and translated sources, to get a correct understanding of the view of the Chinese thinkers before Christ on the perfect man or ideal man, and according to the outlook and worldview.

Cite this article: Emam, Sj. (2025). Ideal man in the eyes of ancient Chinese thinkersWith emphasis on the word Jun zi . *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 9 (1), 27-46. DOI: http//doi.org/10.22111/jrm.2024.47708.1173

© The Author(s).
Publisher: University of Sistan and Baluchestan
DOI: http//doi.org/10.22111/jrm.2024.47708.1173

Methods: This is a descriptive and comparative article. We tried examine the works of ancient China and the classical texts. Then, according to the perception that we Muslims have of a perfect human being, we have described a selection of the sayings of Chinese sages. for a better understanding of their meaning ,we have taken help from the descriptions and interpretations written on them.

Conclusions :The word Junze in the sayings of great people such as Confucius has made this word equivalent and equal to the ideal man, and it has gradually been used in Chinese literature. This word was accepted by everyone to the extent that many Chinese thinkers have used this word to refer to a perfect human being or an ideal human being. According to Chinese sages, the most important characteristic of an ideal or perfect human being is attention to Dao, benevolence, selflessness, inner self-improvement, and piety. In addition to this well-known word, some Chinese thinkers, especially from the school of Daoism, have used other words such as "zhen Ren" and "zhi Ren" for ideal man. Among the characteristics listed for a perfect person in Chinese culture and thought, self-improvement, attention to kindness and benevolence, looking up and avoiding humility, attention to Dao, self-control and self-sacrifice and kindness to others are among the most prominent teachings and The most basic characteristics of an ideal human being. Despite the fact that none of the Chinese thinkers have introduced themselves as a perfect human being, or even as an ideal man, among the common people, such as Confucius have been recognized and introduced as a perfect human being; A character who - although he was never safe from the critics - was sometimes called a saint and free from any impurity, and some Chinese people still believe in this opinion.

مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی
شاپا الکترونیکی: ۵۱۹۵-۲۶۷۶
دانشگاه سیستان و بلوچستان

انسان آرمانی در نگاه اندیشمندان چین باستان

با تاکید بر واژه «جون زِ»

سید جلال امام [۱]

۱. نویسنده مسئول، استادیار ، گروه تاریخ و فرهنگ و فلسفه چین ، دانشگاه مطالعات بین الملل شهر شیان چین ، چین. رایانامه: emamjalal@xisu.edu.cn

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۰
تاریخ ویرایش : ۱۴۰۳/۸/۲۴
تاریخ پذیرش : ۱۴۰۳/۹/۳
تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۱/۵

واژه‌های کلیدی:
کمال گرایی،
جون زِ،
انسان کامل،
فلسفه چینی،
دائوئیزم،
انسان آرمانی

چکیده

به مانند همه مکاتب فلسفی و البته ادیان، ویژگی های انسان آرمانی در دو مکتب بزرگ فلسفی چین یعنی "رو" و"دائوئیزم" به تفصیل بیان شده است. گرچه در آثار بزرگان مکاتب فکری چین – و نه نزد عوام - تقریبا هیچ گاه باور به وجود انسان کامل وجود نداشته، با این حال آموزه های زیادی برای خودسازی و تلاش برای رسیدن به جایگاه انسان آرمانی وجود داشته است. حکیم کنفسیوس با برشمردن ویژگی های "جون زِ" او را در قالب الگویی پیش روی جامعه نهاده و ویژگی های اخلاقی او را برشمرده و مخاطب را به سمت کسب فضایل اخلاقی سوق می دهد. گرچه این واژه پیش از این برای خطاب طبقه اشراف استفاده می شد، اما چنین می نماید که در پی تکرار پیاپی در سخنان کنفسیوس واژه جون زِ در قامت انسان آرمانی یا واژه ای برابر با انسان آرمانی ظاهر شد. پس از او و به پیروی از او به عنوان معلم اول در اندیشه چین قدیم، دیگر اندیشمندان چینی نیز به هنگام بازگویی نکات اخلاقی و ویژگی های انسان آرمانی، از همین واژه بهره جسته، آن را انسان آرمانی قرار داده و ویژگی های مورد نظر خود را بازشمردند. با این حال بوده اند اندیشمندانی که با به کارگیری واژگان، اسامی یا اصطلاحات دیگر، نمایی از شخصیت و ویژگی های انسان آرمانی یا کامل را بیان کرده و الگویی را به جامعه معرفی نموده اند که در این پژوهش به آنها نیز اشاره خواهیم کرد. نوشتار پیش روی تنها با بهره گیری از منابع چینی گردآمده و تلاش شده تا بی واسطه زبان های دیگر و منابع ترجمه شده، فهمی درست از نگاه اندیشمندان چین قبل از میلاد به انسان کامل یا انسان آرمانی به دست آید و با توجه به نگاه و جهانبینی ادیان شرقی به انسان، از میان سخنان این اندیشمندان، ویژگی های مهم و برجسته انسان آرمانی بازشمرده شود که البته از این منظر این پژوهش در نوع خود نخستین است.

استناد: امام ، سیدجلال (۱۴۰۴). انسان آرمانی در نگاه اندیشمندان چین باستان. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۹ (۱)، ۴۶-۲۷.
DOI: http//doi.org/10.22111/jrm.2024.47708.1173

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان
© نویسندگان. امام ، سیدجلال

مقدمه

چه سرشت انسان را به هنگام تولد نیک بدانیم و چه شر، کمالجویی و کمالگرایی از ویژگی های انسان است. در همه فرهنگ ها، مکتب های فکری و فلسفی به این مهم اشاره شده و سخن ها از آن رفته است. نیز اینکه چه به وجود انسان کامل در خارج از ذهن باور داشته باشیم یا خیر، در همه فرهنگ ها، اصطلاح انسان کامل یا آرمانی با تعبیرهای متفاوت وجود دارد. اندیشمندان و فیلسوفان به ویژه در گذشته های دور، تلاش داشتند تا ویژگی های یک انسان کامل را برای مردم برشمرند و بدین روش با ارائه یک الگوی ایده ال، تک تک افراد جامعه را برای رسیدن به مقام و جایگاه انسان کامل ترغیب کنند.

جامعه بزرگ و پرجمعیت چین از دیرباز بهره مند از دو مکتب فلسفی "رو[1]" و "دائوئیزم" تاریخ دور و دراز خود را پیموده که در این میان البته مکتب "رو" به پرچمداری کنفسیوس سهم و نقشی پررنگ تر و بیشتر در عرصه های فرهنگ و سیاست و جامعه داشته است. مکتب رو دستوراتی بیشتر مبتنی بر گردآوری و کسب فضایل اخلاقی را و مکتب دائوئیزم دستوراتی بیشتر مبتنی بر تزکیه و پرهیز از رذایل اخلاقی را مورد تاکید قرار داده اند. دیگر اندیشمندان و مکاتب چین نیز تا اندازه زیادی متاثر از همین دو اندیشه بوده، و همگان در گفته ها و نوشته های خود ویژگی های اخلاقی گونه گونی برای شخصیت آرمانی برشمرده اند؛ گرچه از سده های نخست میلاد، با ورود دین بودایی به کشور چین، یک بسته فرهنگی خارجی، دگرگونی هایی گسترده و البته ژرف در فرهنگ و اندیشه چینیان پدید آورد، جایگاه بلندی یافت، به گونه ای در میانه هزاره نخست میلاد، دین رسمی و اول چینیان گردید؛ تا آنجا که برخی از اندیشمندان و صاحب نظران چینی و گاه حاکمان و سیاستمداران مجبور به موضع گیری در برابر آن شده، محدودیت هایی در برابر گسترش و باورمندی به بودایی به کار بستند[2]. البته در این نوشتار محدوده بحث و منظور از چین باستان، اندیشه شکل گرفته، پرورش

---

[1] -儒学 ru xue

[2] - در تاریخ چین، در هزاره نخست میلادی باورمندان و به ویژه مبلغان دین بودایی و معابد آن در چند دوره از سوی حکومت مورد تاخت و تاز و سرکوب قرار گرفتند و محدودیت هایی برابر آنها اعمال شد که شدیدترین آن توسط تانگ وو زونگ (به چینی 唐武宗) در میانه سده نهم میلادی رخ داد . اندیشندان و فیلسوفانی نیز همچون خَن یو (به چینی 韩愈) در اوایل سده نهم میلادی نسبت به رغبت بیش از اندازه چینیان و البته حکومت به دین بودایی هشدار می داد وآن را نادرست می خواند.

یافته و نهادینه شده تا سده نخست میلادی است؛ زمانی که هنوز دین بودایی وارد کشور چین نشده و فرهنگ دینی چینیان تاثیری از بودایی نگرفته است.

اگر بر کتب مقدسی همچون قرآن چشم بپوشیم، مخاطب بیشتر کتاب های اخلاقی نوشته شده در تاریخ دور، یا بیشترین مخاطبان کتب اخلاقی، طبقه حاکم یا شخص حاکم بوده است. از این بالاتر، بخش بزرگی از این نوشته ها به دستور طبقه حاکم یا حاکمان بوده است. زین روی، گاه در میان جمله ها و عبارت های این کتابها، از جمله کتاب های نوشته شده به قلم حکیمان چینی به صورتی روشن و صریح حاکم و پادشاه مخاطب قرار گرفته که البته به جهت رعایت شان و آداب، از القاب یا واژگانی احترام آمیز استفاده شده است.

پیشنیه پژوهش

به رغم پژوهش های زیاد پیرامون فلسفه و اندیشه دینی چینیان، موضوع انسان کامل کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ از این میان مقاله "انسان آرمانی از منظر مکاتب خاور دور[۱]" نوشته فیاض قرایی مسئله انسان کامل در تمامی مکاتب شرقی شامل کنفسیوسیزم، دائوئیزم و شینتوئیزم را مورد بررسی قرار داده است.

همچنین مقاله «"وو- وی، مهم‌ترین وصف انسان کامل از دیدگاه لائوزی" نوشته طاهره توکلی و افسانه کاظمی[۲]، به صورت تخصصی به دیدگاه اندیشه بنیانگذار اندیشه دائوئیزم یعنی "لائو ز"ِ (لائوتسه) گویا بیشتر مبتنی بر منابع انگلیسی و دیگر زبان ها پرداخته است؛

کتاب ها و دیگر نوشته هایی که پیرامون ادیان چینی نوشته شده اند نیز هر کدام به تناسب به انسان آرمانی و گاه واژه "جون ز" اشاره کرده اند، با این حال، بررسی انسان آرمانی به شکلی که در این نوشتار گردآمده، پیش از این انجام نشده است.

---

[۱] - مطالعات اسلامی، دانشکده الهیات و معارف مشهد ۱۳۸۲ شماره ۵۹

[۲] - نشریه مطالعات عرفانی ، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۱۸

منبع شناسی

در این نوشتار به عنوان منبع پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، متون کلاسیک چین باستان شامل "لون یو"[۱]، "دا شوئه"[۲]، "گوئی گو زِ"[۳]، "مُنگ زِ"، و ... می باشد که برخی از آنها از نسخه های آنلاین بهره گرفته ایم. لون یو گردآورده سخنان پرآوازه ترین اندیشمند چین باستان، کنفسیوس می باشد که به دست شاگردان وی سامان یافته است. این کتاب از کتب مهم و پایه ای در طول تاریخ چین بوده و فیلسوفان تاریخ بلند چین همگی بدون استثناء آن را خوانده و گاه بر آن شرح و تفسیر نیز نوشته اند. امروزه نیز مرجع سخنان کنفسیوس همین کتاب لون یو می باشد.

"دا شوئه"[۴] که در گذشته های دور بخشی از کلاسیک "لی جی[۵]" بوده نیز به عنوان یکی از چهار کلاسیک مهم مکتب "رو" شناخته می شود، کنفسیوس نیز در سخنان خود به آن اشاره می کند.

"گوئِی گو زِ" کتابی است از نویسنده ای به همین نام از سده پنجم پیش از میلاد که گاه از آن به عنوان یک کتاب خارق العاده یاد می شود.

نکته مهم اینکه، در چین باستان بسیاری از کتاب ها به نام خود نویسنده بود، مثلا آنچه ما امروز به نام "دائو دا جینگ[۶]" می شناسیم نامی است که پسین ترها بر این کتاب گذاشته شد، و در ابتدا با نام "لائو ز"، بنام نویسنده آن شناخته می شده است. "مُنگ زِ"، نیز که از اندیشمندان چین پیش از میلاد و از شاگردان و همفکران کنفسیوس است کتابش به نام خودش شناخته می شود.

همین جا اشاره می کنیم که به دلایل گفته آمده در بالا، ممکن است ارجاع دهی به منابع قدری با شیوه های رایج در مقالات علمی نشریه های ایران نایکسان باشد و گاه به جای صفحه، به بند (آیه یا پاراگراف) کتاب ارجاع داده می شود.

---

1 - 论语 lun yu

2 - 大学 da xue

3 - 鬼谷子 gui gu zi

۴ - با کلمه دانشگاه در زبان چین امروز اشتباه نشود.

5 - 礼记 li ji

6 - 道德经 dao de jing

واژه شناسی

به هنگام پژوهش پیرامون انسان کامل، انسان آرمانی یا از این دست اصطلاحات در ادبیات و فرهنگ چین ، چه در منابع و متون تاریخی و چه در پژوهش های معاصر، با واژه های زیر روبرو خواهیم شد:

کلمه «完人» با تلفظ «wan ren» یا به فارسی "وَن رِن" دقیقا برگردان انسان کامل است؛ به عبارت دیگر، اگر بخواهیم واژه انسان کامل را به صورت واژ به واژ به چینی برگردانیم می شود وَن رِن. در اینباره خواهیم گفت.

کلمه «正人» با تلفظ «zheng ren» یا به فارسی "جِنگ رِن" به معنای انسان درست، انسان راستین. در برخی منابع چین گاه برای انسان آرمانی از این واژه استفاده شده است.[۱] عالیجناب وانگ یانگ مینگ[۲] اندیشمند سده پانزدهم میلادی در پاسخ به این پرسش که چه کنیم که از شیاطین و ارواح در امان باشیم، می گوید انسان راستین ترسی ندارد؛ آدمی اگر گناهی نداشته از دست آنان چه کاری ساخته است[۳] (وانگ، ۲۴)

کلمه «真人» با تلفظ «zhen ren» یا به فارسی "جِن رِن" به معنای "انسان واقعی" است[۴]. مکتب دائوئیزم از این واژه استفاده می کند و نخستین بار در کتاب "گویی گو زِ[۵]" در سیصد پیش از میلاد آورده شده است. نیک می دانیم که دائوئیزم بر یگانگی انسان با"تیین" (آسمان) –یا در نگاهی دیگر یگانگی با تمام هستی- تاکید دارد و کتاب یاد شده جمله ای بر همین دیدگاه اشاره می کند که انسان واقعی (انسان کامل) با تیین یگانه شده است. (کلاسیک "گویی گو زِ" ، بخش "شِنگ شِن"[۶].

کلمه «至人» با تلفظ «zhi ren» یا به فارسی "جی رِن" به معنای انسان خودساخته، از خودگذشته و پارسا می باشد. این واژه را "جوانگ زِ[۷]" در نوشته های خود به کاربرده است. او در

---

[۱] - البته کلمه «正» گاه به عنوان فعل به کار گرفته می شود. در میان سخنان کنفسیوس هم دیده می شود مثلا: « 何正人，不能正其身»، یعنی اگر خود را اصلاح نکنی چطور می توانی دیگری را اصلاح کنی.

[2] - 王阳明 wang yang ming

[3] - 岂有邪鬼能迷正人乎

[4] -真人者与天为一

[5] - 鬼谷子 gui gu zi

[6] - 真人者与天为一

[7] - 庄子 zhuang zi

نوشته هایش واژگان کلیدی "دائو دا جینگ" را شرح و توضیح داد و برای درک بهتر، به تفسیر آنها پرداخت از این رو به عنوان شارح اندیشه های استادش "لائو زِ" (پایه گزار اندیشه دائوئیزم) شناخته می شود؛ جوانگ زِ بی شک در نشر اندیشه های دائوئیزم و شکل گیری مکتب و در نهایت دین دائوئیزم نقشی کلیدی داشته است.

کلمه «圣人» با تلفظ «sheng ren» یا به فارسی "شِنگ رِن" به معنای مقدس یا قدیس؛ و در فرهنگ چینی انسانی که از نظرگاه اخلاق به قله خودسازی رسیده باشد.

در کنار اینها اما واژه ««君子» با تلفظ «jun zi » یا به فارسی "جون زِ" از کلیدی ترین واژگانی است که به هنگام جستجو در منابع چینی تقریبا برابر با انسان آرمانی، انسان کامل یا انسان نمونه به چشم می خورد.

اما جون زِ به چه معناست؟ اگر بگوییم معنای دقیقی برای این کاراکتر وجود ندارد گزافه نیست و دلیل آن کاربرد گونه گون آن در ادبیات چینی در درازای تاریخ است[۱]. چنین می نماید که در آغاز لقبی محترمانه برای نامیدن بزرگان بوده؛ گرچه به روشنی مشخص نیست مقام معنوی یا غیر آن (سیاسی و اجتماعی). در گفتاری از کنفسیوس واژه جون زِ در برابر پا برهنگان قرار داده شده است که می گوید: پابرهنه ای ابتدا به آداب آراسته می شوند و سپس به دستگاه حکومت می روند و شاهزاده ای ابتدا پست و مقام دارد و سپس آداب فرا می گیرد.(یانگ بو جون، ۱۵۶)[۲]. بر پایه استدلال تعرف الاشیاء باضدادها "جون زِ" برای نامیدن طبقه اشراف و حاکم - هرچند از سر چاخان و غلو – رایج بوده است.[۳] کنفسیوس در سخنان خود به تکرار این واژه را به کار گرفته و در چند مورد منظور از جون بغپور، امپراطور یا فرمانرواست؛ مثلا عبارت مشهور "پادشاهی پادشاهی کند و وزیر وزارت، پدر پدری کند و پسر فرزندی؛ که اگر این سلسله مراتب رعایت شود، نظم به کشور باز می گردد"[۴].

---

[۱] - چیزی شبیه درویش و صوفی و... در فرهنگ خودمان که پیچیدگی معنایی خود را دارند.

[2]- 先进于礼乐，野人也；后进于礼乐，君子也。如用之，则吾从先进

[۳] - کنفسیوس کمتر از پابرهنگان و قشر پایین جامعه سخن کرده؛ و همین رویکرد او سبب انتقاد به او شده است ، گرچه در نمونه ای که در اینجا آوردیم، سخن او به گونه ای حمایت از طبقه ضعیف و پایین جامعه است

[4] -君君，臣臣，父父，子子

(یانگ بو جون، ۱۸۱) نیز آنگاه که از کنفسیوس پیرامون رابطه امپراطور و وزیر سوال می شود پاسخ می دهد که "امپراطور به آداب با او رفتار نماید و وزیر به امپراطور وفادار باشد".[۱](یانگ بو جون، ۴۱)

البته تاکید کنیم که "جون" هرگاه با کاراکتر "زِ" - که در فارسی گاه زی یا تزی هم نوشته می شود- همراه شود هم معنا با انسان آرمانی است، چرا که در ادبیات و سروده های چینی به تکرار واژه "جون" به تنهایی (بدون پسوند زِ) برابر با معنای "یار" و "تو" (در ادبیات فارسی) می باشد. در اینجا نمونه ای از شعر چینی را که به یار ترجمه می شود مرور می کنیم:

پرآوازه ترین شاعر چین "لی بای[۲]" در جاهای زیادی این واژه را به معنای یار و دوست به کار گرفته و در شعری می خوانیم: "شب هنگام از کنار رود می گذرم و به یار می اندیشم اما نمی توانم او را ببینم و ..." [۳].

یا در نمونه ای[۴] از شاعری دیگر می خوانیم: "من در ابتدای رود زندگی می کنم و یار در انتهای آن، هر روز به یاد یارم و اما او را نمی بینم و حال آنکه هر دو از آب رود می نوشیم[5]". این یک شعر عاشقانه است که شاعر، به هم پیاله بودن آب رود دل خوش کرده و خود را دلداری می دهد. پیداست که یار، در نگاه عاشق، بی عیب و کامل است و زین روی عاشق بهترین و کاملترین عنوان را برای او بر می گزیند.

کنفسیوس طی جمله های قصار و عباراتی کوتاه، تلاش کرده است تا ویژگی های "جون زِ" را برشمارد که در میان آنها گاه پند و اندرزی در راستای مدیریت کشور، و شاخصه های یک فرمانروا، حاکم یا مدیر ارائه می دهد و گاه پند و اندرزهایی است اخلاقی که ممکن است مخاطب آن تمامی افراد جامعه باشند؛ البته این سوال باقی است که کنفسیوس تا چه اندازه در خطاب با مردم عادی سخن رانده است!.

---

[1] -君使臣，臣事君，如之何？”孔子对曰：“君使臣以礼，臣事君以忠

[۲] - لی بای ، درگذشته به سال ۷۶۲ شاعر پرآوازه عصر دودمان تانگ است.

[3]- 夜发清溪向三峡，思君不见下渝州

[4] -我住长江头，君住长江尾。日日思君不见君，共饮长江水

[5] - این شعر از «لی جی ئی» درگذشته به سال ۱۱۱۷ میلادی شاعر دودمان سونگ شمالی می باشد.

کنفسیوس چندی در دستگاه های دولتی خود را ملزم به راهنمایی حاکمان و مدیران می دید زین روی به کارگیری واژه جون در میان سخنان کنفسیوس گاه ناظر به کشورداران و گاه ناظر به همه مردم بوده، این سخنان را در دو بخش طرح و بررسی می کنیم.

در برابر جون زِ، فلسفه کنفسیوس شخصیت «小人» با تلفظ «xiao ren» به فارسی "شیائو رِن" به معنای آدم کوچک، ناچیز، فرومایه، بیمایه و نادان را قرار می دهد تا نقطه مقابل کمال و کمالگرایی را نشان دهد[۱]. در ادامه از آن سخن خواهیم گفت. این واژه در زبان امروز چینیان به عنوان دزد هم استفاده می شود اما در واقع اشاره به کسی دارد که بی مایه و فرومایه است.

ویژگی های جون زِ در کلام کنفسیوس

در فصل راهنمایی کشورداران از کتاب «لون یو» جمله ای از کنفسیوس است که می گوید: "جون ز مانند ابزار نیست".[۲] به این معنا که همچون وسیله یا ماشینی نباشد خشک و بی روح که فقط کار انجام می دهد و احساس و عقل ندارد. "جون ز حکمی با یکدندگی نمی دهد و یا با یکدندگی نبایدی را مطرح نمی کند، بلکه به شرایط نگاه می کند و با انصاف تصمیم گرفته عمل می کند".[۳]

"جون زِ به دنبال انصاف و عدالت فراگیر است و اما بیمایگان به دنبال منفعت شخصی"[۴]. این عبارت مدیران را گوشزد می کند که می بایست در راستای برقراری عدالت و برابری تلاش کنند و در پی به کف آوردن منفعت شخصی نباشند. تقریبا به همین معنا، در جایی از کتاب لون یو چنین می خوانیم: "جون ز به دنبال درستی کار است، اما بیمایگان به دنبال منفعت"[۵] درست انجام دادن کار ممکن است با منفعت شخصی در تضاد باشد و نیازمند صرف انرژی، وقت و هزینه بیشتری باشد که انسان های بی مایه منفعت طلب از عهده آن بر نمی ایند.

در جایی دیگر از کتاب هنگامی که از کنفسیوس درباره شجاعت جون ز سوال می شود پاسخ می دهد "جون ز در وهله اول باید انصاف داشته باشد، که اگر نداشته باشد و تنها شجاعت داشته باشد

---

[۱] – در ادامه به نمونه هایی که دو واژه «جون» و «شیائو رِن» در برابر هم قرار گرفته اند خواهیم پرداخت.

[2] -君子不器

[3] -君子之于天下也，无适也，无莫也，义之与比

[4]- 君子明白大义，小人只知道小利

[5] - 君子喻于义,小人喻于利

مایه هرج و مرج است. فرومایگان آنانی هستند که شجاعت دارند اما انصاف نه"[1].(یانگ بو جون، ۲۷۰) در این بند کنفسیوس شرط لازم برای جون ز بودن را انصاف می داند و تاکیدی بر شجاعت ندارد. شجاعت و نهراسیدن از نگاه این حکیم چینی به خصوص آنزمان که در کنترل انصاف نباشد، موجب به هم ریختن و هرج و مرج خواهد بود.

در ادامه ویژگی های جون ز می خوانیم: او باید نه چیز را در خاطر داشته باشد[2] که آنها از این قرارند: خوب ببیند، واضح بشنود، چهره ملایم داشته باشد، ظاهر محترمانه داشته باشد، صادقانه سخن کند، درست عمل کند، و آنگاه که شک دارد بپرسد، همیشه به پیامدهای کارها بیندیشد، و هنگام تحصیل مال انصاف را در نظر داشته باشد. (یانگ بو جون، ۲۵۲)

عبارت های بالا به گونه ای خطاب به پادشاه است، اما گاه سخنان کنفسیوس برای بازگویی و تبیین ویژگی های جون ز، به صورت عام است و اصول اخلاقی کلی را مطرح می کند که ویژه پادشاه و مدیر کشور نیست.

از کلیدی ترین ویژگی های جون زِ نزد کنفسیوس داشتن "رِن" (به چینی 仁) می باشد. رِن به معنای مغز و هسته، اما از اصول اخلاقی سه گانه[3] طرح شده توسط کنفسیوس است و می توانیم آن را مهر و خیرخواهی ترجمه کنیم. هنگامی که یکی از شاگران کنفسیوس از او درباره رن می پرسد می گوید یعنی اینکه خود را کنترل کنی. (وانگ یوئه چینگ، ۳۷) در چین امروز معمولا آن را عشق ، محبت و دوست داشتن معنا می کنند (وانگ یوئه چینگ، ۳۷) . کنفسیوس در عبارتی می گوید: "جون ز"ِ اگر از "رِن" بازگردد، چگونه می تواند "جون" شود؛ "جون" حتی به اندازه زمانِ کوتاهِ یک وعده غذا خوردن نیز رِن را فراموش نمی کند[4]. تاکید به این اندازه، تنها در مورد "دائو" در گفته های بزرگان چین معمول بوده است که آدمی حتی در آنی نباید دائو را فراموش کند. این جملات جایگاه اصل اخلاقی "رِن" در خودسازی در فلسفه چین باستان را به خوبی بیان می کند. رن در نگاه

1-君子义以为上。君子有勇而无义为乱，小人有勇而无义为盗

2 -君子有九思．视思明，听思聪，色思温，貌思恭，言思忠，事思敬，疑思问，忿思难，见得思义

۳ - رِن ، ئی ، لی «礼义仁»، مهر، انصاف، آداب

4 -君子无终食之间违仁

کنفسیوس آنقدر مهم است که به عنوان هدف و آرمان معرفی شده و باید انسان با خودسازی به آن برسد. (وانگ یوئه چینگ، ۳۸)

کنفسیوس در جایی از بزرگترین ویژگیهای جون را چنین عنوان می کند: "سادگی زیاد و ترک آداب، بی ادبی خواهد آورد و تاکید بر استعداد و آداب و ترک سادگی نیز بیهوده است، باید که سادگی و آداب را با هم داشت، که در چنین صورتی شخص، جون ز خواهد شد"[۱]. (یانگ بو جون، ۸۷)

در عبارتی دیگر می گوید: جون ز باید خود را ساخته باشد و خویشتندار باشد، بر دیگران خشم نگیرد و مراقب رفتار و گفتار خود باشد. در جایی کنفسیوس می گوید: اگر جون وقار نداشته باشد، ابهتی ندارد. جون ز در آموختن لجباز نیست؛ از نیکو روشان مدام می آموزد و اگر اشتباهی کرد از تصحیح پروایی ندارد. با کسی که علاقه و سلیقه ای دیگرگون دارد دوستی نمی کند. به دنبال سیر خوردن و زیستن در جای گرم و نرم نیست. در کارها کوشا و در صحبت کردن محتاط است[۲] (یانگ بو جون، ۱۱)

نیز اینکه "جون زِ اهل کشمکش و بحث و جدال و نزاع نیست مگر در مسابقه تیر اندازی[۳] که آن هم در پایان با رقیبش می نشیند و - به سان دوست - چای می نوشد"؛ گویا همان میزان رقابت و اصطکاک که در مسابقه بوده را به دوستی و نرمش تبدیل می کند. جون زِ در تنگدستی و نداری به اخلاق پشت نمی کند؛ پیوسته به اخلاق می اندیشد و همچون فرومایگان به فکر منفعت خود نیست. در گفتن کُند و در عمل چابک است. دانش می آموزد و با ادب خود را نگه می دارد. (یانگ بو جون، ۳۴)

کنفسیوس معتقد است که جون زِ می بایست از سه چیز پروا کند و آنها را محترم بشمارد، از سرنوشت، از بزرگان و رهبران، از سخن حکیمان[۴] ؛ (یانگ بو جون، ۲۵۱) این سه در فرهنگ چینی به عنوان "سه پرهیز[۵]" شناخته می شود. آنچه اینجا با کلمه سرنوشت ترجمه کرده ایم، اگر نخواهیم

---

[1] -质胜文则野，文胜质则史。文质彬彬，然后君子

[2] -君子食无求饱

[3] -君子无所争，必也射乎！揖让而升，下而饮。其争也君子

[4] -畏天命,畏大人，畏圣人之言

[5] - 三畏 san wei

آن را احکام الهی بخوانیم، دست کم می تواند به معنای مقدرات باشد. اینجا منظور همان قوانین نانوشته هستی است که انسان می بایست به آنها سربسپارد و از آنها پروا و ترس داشته باشد. پروا از طبقه حاکم، از همان آموزه هایی است که چهره ای منفی از کنفسیوس به نمایش گذاشته، و از او یک طرفدار طبقه بالا و حاکم ساخته است. در ادامه پروا داشتن از سخن حکیمان، شنیدن و گوش کردن به سخن حکیمانی که اندیشه آنها در طول تاریخ محک خورده را از ویژگی های جون زِ بر می شمرد و یاداوری می کند که جون زِ می باید در عمل کردن به سخن بزرگان بکوشد. (وانگ یوئه چینگ، ۴۳) در برابر اما می خوانیم: آدم فرومایه چون از تقدیر بی خبر است پس از هیچ پروایی ندارد (یانگ بو جون، ۲۵۱)

وقتی یکی از شاگردان کنفسیوس به نام "سی ما نیو"[۱] از استاد می پرسد جون زِ چگونه است، پاسخ می دهد: "جون زِ دغدغه و نگرانی ندارد، و نمی ترسد؛ وقتی به درون خود سر می زند و می بیند که گناهی نکرده و ستمی رواداشته، پس نه می ترسد و نه هراسی دارد"[۲]. در گفتاری دیگر "سی ما نیو" باز می پرسد که همه برادر دارند و اما من تک فرزندم، کنفسیوس پاسخ می دهد: "می گویند که مرگ و زندگی ، و فقر و ثروت و ... را در آسمان (خدا) تقدیر می کند، اگر آدمی محتاط زندگی کند و خطا نکند، همه مردم در چهارسوی جهان برادر او خواهند بود و او دیگر تنها نیست. می توان چنین برداشت کرد که جون زِ باش تا تنها نباشی. (وانگ یوئه چین، ۴۰)

پیرامون همکاری کردن با دیگران، حکیم چینی یادآوری می کند که "جون زِ، در کار خیر دیگران سهیم است و برای به انجام رسیدن آن دست یاری می رساند، و کارهای دیگران را خراب نمی کند، اما فرومایگان برعکس این هستند.[۳] جون زِ نگاهی وسیع دارد و مقایسه نمی کند، اما آدم نادان، به دنبال مقایسه است و نگاه وسیع ندارد.[۴] جون زِ متفاوت است اما همراه، و نادان همراه است اما متفاوت[۵] این جمله نفاق نادان را نشان می دهد که در ظاهر همراه است اما در دل نه. اگر می خواهی

---

[1] - 思马牛 si ma niu

[2] - 君子不忧愁，不恐惧

[3] -君子成人之美，不成人之恶。小人反是

[4] -君子周而不比，小人比而不周

[5] -君子和而不同，小人同而不和

با کسی دوست بشوی از نیت خیر و از در نیکی دوست شو، و نه از در شر و بدی. چرا که جون زِ اینچنین است و به این طریق دایره دوستی خود را می گستراند".[۱] (یانگ بو جون، ۱۸۷)

از جمله آموزه های کنفسیوس اینکه "جون زِ نگاه به بالا دارد اما انسان های حقیر رو پایین دارند.[۲] جون زِ برای رسیدن به خیرخواهی و منفعت دیگران تلاش می کند و خود را بالا می کشد، اما بی مایگان فقط به دنبال نام و منفعت خود هستند."

کنفسیوس یکی از ویژگی ها انسان آرمانی را عمل گرایی می داند و فرومایه را در برابر او قرار می دهد و می گوید: "جون ز راحت دست به کار می شود و عمل می کند و فرومایه اما آسان حرف می زند اهل کار و عمل نیست".[۳]

ویژگی های انسان آرمانی از نگاه دیگر اندیشمندان

"مُنگ زِ[۴]" (درگذشته به سال ۲۸۹ پیش از میلاد)که گاه در غرب او را منسیوس می خوانند، شاگرد کنفسیوس است - و نقش بزرگی در نشر اندیشه های استاد خود و انتقال اندیشه های او به نسل های پسین تر داشت - نیز درباره جون زِ و انسان آرمانی سخن گفته است. این اندیشمند چین باستان که نظریه نیک سرشتی انسان از او برای همه فلسفه پژوهان آشناست، در عبارتی «شِنگ رن» (به چینی 圣人) را انسان کامل و معیار حق و باطل معرفی می کند و می نویسد: "خط کش و پرگار معیار برای اندازه گیری اشیاء هستند و شِنگ رن، معیار برای انسان".[۵]

خوانگ شی گونگ[۶]، (درگذشته به سال ۱۵۰ پیش از میلاد) در کتاب خود "سو شو"[۷] واژه جون زِ را در کنار کلمه "شیین رِن[۸]" به معنای فرزانه قرار می دهد و به عبارتی آن دو را همپایه به حساب

---

[1] -君子以文会友，以友辅仁

[2] -君子上达，小人下达

[3] -君子易事而难说也，。小人难事而易说也

[4] - 孟子 meng zi

[5] - 规矩，方员之至也；圣人，人伦之至也

[6] -黄石公 huang shi gong

[7] -素书 su shu

[8] - 贤人 xian ren

آورده، و می نویسد[۱]: "بغپور و فرزانه اگر سر به فرمان "دائو" بسپارند کشور رونق می یابد و اگر نه، نه".[۲]

دیگر شاگرد کنفسیوس به نام "زی سی[۳]" در کتاب خود جُنگ یُنگ می نویسد:"جون زِ هرگز دمی از دائو جدا نمی شود و او را دمی از خاطر فراموش نمی کند حتی به هنگام تنهایی، که اگر کند دیگر جون زِ نیست. ".[۴] جز این، در بخش دیگری می نویسد که "جون زِ ساده است اما آراسته، صمیمی است اما مدلل"[۵]. جون ز به دائو احترام می گذارد و به آن عمل می کند[۶]؛ منظور اینکه باید به علت العلل هستی یا آفریدگار احترام گذاشت و در به عمل آوردن خواسته های او سر نهاد. در عبارتی دیگر اینکه جون ز میانه رو هست و اما فرومایه بر خلاف میانه روی.[۷]

نزدیک به همین معنا را در کتاب "دا شوئه[۸]" می خوانیم: "جون زِ هنگام تنهایی محتاط است، و نه سربه هوا و هرچه باداباد؛ اما انسان بی مایه به نیکی فکر نمی کند و گناهی نیست که نکند. جون زِ حتی دورنش هم پیداست و چیز پنهانی ندارد"[۹]. (کلاسیک دا شوئه، بند دوم)

"دای شنگ[۱۰]" نویسنده کتاب "لی جی[۱۱]"[۱۲] به نقل از استاد اول یعنی کنفسیوس، یکی دیگر از مهمترین ویژگی های انسان کامل را چنین می نویسد که جون زِ میانه رو است و فرومایگان هرگز

---

[۱] - کلاسیک «سو شو» بند یکم.

2 -贤人君子，明于盛衰之道

3 -子思 zi si

4 -道也者，不可须臾离也，可离，非道也

[5] - 君子之道，淡而不厌，简而文，温而理，知远之近

[6] -君子遵道而行

[7] -君子中庸，小人反中庸

[8] -大学 da xue

[9] -故君子必慎其独也。小人闲居为不善，无所不至；见君子而后厌然

[10] - 戴圣- dai sheng

[11] - 礼记 li ji

[۱۲] - از کتب کلاسیک چین باستان که بیشتر محتوای آن به آموزه «لی (به چینی 礼) و آداب دینی چین باستان پرداخته است.

میانه روی تقریبا مهمترین معیار اخلاقی است اما عجیب آن که بسیاری از مردم از آن گریزانند.[۱] (کلاسیک جُنگ یُنگ، فصل ۲)

در نوشته های متاخر در سده شانزدهم میلادی، خونگ ییِنگ مینگ[۲]، در کتاب اخلاقی خود "سَی گِن تَن[۳]" به تکرار واژه جون زِ را استفاده کرده و ویژگیهای او را برشمرده است. اینکه گفتیم رفته رفته واژه جون زِ کاربردی دیگرگون یافته و برابر با انسان خودساخته یا انسان آرمانی شده است، به روشنی در این کتاب پیداست. هرجا کلمه جون زِ آمده، پیش از آن عباراتی همچون اخلاقمند، خودساخته، فرهیخته، آورده شده است و در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می کنیم. جون زِ نباید رفتار تند داشته باشد و جون زِ همیشه محتاط است. هرگاه که بیکار می شود باید مراقب ذهن و فکر خود باشد[۴] (خونگ ییِنگ مینگ، بند ۸). آسمان (خدا) گاه سختی می دهد و سپس آسانی می آورد، و گاه فزونی است و پس از آن نومیدی، جون زِ در برابر ناملایمات تسلیم است وی می پذیرد، که اگر چنین بود، هر چه پیش آید ملالی نیست[۵] (خونگ ییِنگ مینگ، بند ۶۸).

اگر کنفسیوس و شاگردان و همفکرانش در جمله ها و کلمات قصار خود تاکید بر تکرار کلمه جون زِ دارند و مخاطب را به خیرخواهی درون و رعایت آداب بیرون فرا می خواند، حکیم "جوانگ ز"[۶] (سده سوم پیش از میلاد) از مکتب دائوئیزم اما چنین نکرده است. از نگاه دائوئیزم انسان کامل یا آرمانی انسانی است تسلیم و همراه و هماهنگ با فرایند حرکت طبیعت، که می بایست دائو را، و خود را بشناسد، در برابر دائو سر سپرد و در هماهنگی با هستی گام بردارد. در اینجا قصد سخن از انسان کامل در نگاه دائوئیزم نداریم اما کوتاه اینکه جوانگ زِ رسیدن به جایگاه "جی رِن" – که پیش از این اشاره کردیم - را مرتبه والای انسانی بر می شمرد؛ وی تلاش می کند با یک عبارت کلیدی ، ویژگی های انسان آرمانی را بیان کند و آن «内生外王» که به صورت « nei sheng wai wang» تلفظ می شود. این چهار کلمه به معنای "درون قدیس، بیرون پادشاه" می باشد؛ جمله ای

1 - 君子中庸，小人反中庸。君子之中庸也，君子而时中；小人之中庸也，小人而无忌惮也

2 - 洪应明 hong ying ming

3 - 菜根谭 cai gen tan

4 - 故君子闲时要有吃紧的心思

5 - 君子是逆来顺受，居安思危，天亦无听用其伎俩矣

6 - 庄子 zhuang zi

کوتاه اما پرمعنا و در عین حال گویا، که نزد تمامی اندیشمندان مورد قبول واقع شده و رفته رفته به عنوان آموزه مبنایی در علم اخلاق در جامعه چین درآمده ، و در شرح آن سخن ها گفته اند.

ساده می توان چنین فهمید که آدمی می بایست به دو روی زندگی توجه کند؛ درون خود پرهیزگار باشد، روان خود را مدیریت کند، خود را بسازد و از درون خود را به جایگاه یک قدیس برساند. اما در ظاهر و بیرون؛ پادشاه باشد. روشن است که این بخش اشاره به امور زندگی و دنیوی و مادی دارد؛ زندگی روزمره انسان نیازهایی دارد که می بایست برای تامین آنها تلاش کند.

در آغاز بحث گفته آمد که "وَن رِن" برگردان کلمه انسان کامل است؛ این کلمه کم و بیش در ادبیات و اشعار رایج در دو دوره ه"مینگ" و "چینگ" (سده های چهاردهم تا بیستم) به چشم می خورد[۱]، اما در میان متون کلاسیک و کتاب های فلسفی چین قدیم دیده نمی شود؛ چیزی همانند آنچه در متون اسلامی از آن سراغ داریم و نباید در متون کلاسیک اسلامی به دنبال ترکیب "انسان کامل" باشیم. در متون اسلامی نیز بعدها این ترکیب پیداشده و درباره آن سخن رانده شد گرچه خلیفه خدا، حجت خدا، امام، معصوم و واژگان دیگر به نیکی بیان کننده انسان کامل در دین و فرهنگ اسلامی بوده اند. از معدود اندیشمندان چینی که ترکیب انسان کامل را به کار گرفته "ز زِنگ گوا فَن" اندیشنمد سده نوزدهم چین است که می نویسد: "آنچه که از یک نفر جون ز می سازد اهمیت و ظرفیت او در محبت به مردم ، و در درون خود را تزکیه نمودن و در ظاهر پادشاه بودن است، در چنین صورتی است که در برابر خدا و مردم و نیاکان خود پشیمان و شرمنده نیست و شایستگی دارد که انسان کامل خوانده شود "[۲] (زِنگ، ۲۳) .

آنچه از انسان آرمانی باقی ماند، "شِنگ رن" (به چینی 圣人) به معنای مقدس یا انسان مقدس یا قدیس است که البته جایگاهی است بسیار بلند که در فرهنگ چینی کمتر کسی به آن راه یافته است. گفته آمد که کنفسیوس درست در زمانی چشم به جهان گشود که دنیای شرق غرق در جنگ

---

[۱] - برای نمونه «人完无古儒宋» به معنای "در مکتب رو هیچ انسان کاملی نبوده"، از شاعر سده هجدهم "یِن جو چِنگ".

و نیز نمونه ای دیگر «人完一作须儿男» به معنای "مرد باید که از خود انسان کامل بسازد" از شخصیت های سده شانزدهم "رائو شیانگ"

[2]- 君子之立志也，有民胞物与之量，有内圣外王之业，而后不忝父母之生，不愧为天地之完人

های درازمدت، ناامنی و نابسامانی بود و او از جمله حکیمانی بود که در راه بازگرداندن ثبات و آرامش به مردم به قلمروهای مختلف سفر می کرد. همو در جمله ای تاکید می کند که در این چنین فضایی نمی توانیم سراغ از شِنگ رِن بگیریم، اما دلمان خوش است که جون زِ را می توانیم ببینیم.[۱] (یانگ بو جون، ۱۰۵) این نشان دهنده آن است که بالاترین مقام از آن شنگ رن است که در خیلی پیشتر از کنفسیوس برای برخی از بزرگان چین به کار برده می شده است اما کنفسیوس در زمان خود کسی را شایسته آن نمی داند.

در پایان در پاسخ به پرسش احتمالی که آیا باورمندی به وجود انسان کامل در تاریخ بلند چین بوده یا نه، می توان گفت که چینیان از دیرباز کنفسیوس را معلم اول و شخصیت حکیم، قدیس و حتی بی مانند می دانستند. چه در میان گفته های عوام و چه در نوشته های اندیشمندان و ادیبان، به جز موارد اندکی[۲] از او به بزرگی یاد شده و می شود. زین روی اگر در فرهنگ چین سراغی از انسان آرمانی گرفته شود کنفسیوس نخستین گزینه از میان بزرگان تاریخ چین است. به رغم کم شمار بودن باورمندان به وجود انسان کامل، در بدنه جامعه و جمع مریدان همیشه باورمندی به اینکه این حکیمان و فرزانگان انسان نمونه و چه بسا کامل بوده اند، وجود داشته است.

البته شخصیت های دیگری همچون «لائو ز»، اندیشمند پرآوازه سده پانزدهم میلادی – که گاه او را در جایگاه استاد کنفسیوس و برتر از او قرار می دهند – و نیز وانگ یانگ مینگ[۳] از اندیشنمدان بزرگ و نامدار چین و البته کسان دیگر به عنوان انسان های آرمانی یاد می شود.

نتیجه

تلاش برای ارائه یک الگوی برتر یا انسانی آرمانی در میان آموزه های اندیشمندان چینی زیاد به چشم می خورد.

تکرار واژه جون زِ در گفته های بزرگانی چون جناب کنفسیوس، این واژه را معادل و همطراز با انسان آرمانی قرار داده، رفته رفته در جای جای ادبیات خاص و عوام چینیان مورد استفاده قرار گرفته

---

[1] - 人，吾不得而见之矣；得见君子者，斯可矣

[۲] – علیرغم شخصیت متمایز کنفسیوس، انتقادهایی نیز نسبت به او بوده است. چه در چین باستان که «مُ ز» از او انتقاد می کرد، و چه در چین جدید که در انقلاب فرهنگی برای مدتی مورد بی مهری قرار گرفت.

[3] - 王阳明 wang yang ming

است. این واژه تا آنجا نزد همه پذیرفته شد که بسیاری از اندیشمندان چینی تا به امروز، از همین واژه برای اشاره به انسان کامل یا انسانی آرمانی بهره گرفته اند. مهمترین ویژگی انسان آرمانی یا کامل در گفته های حکیمان چینی توجه به دائو، خیرخواهی ، از خودگذشتگی و خودسازی درونی و پارسایی است. در کنار این واژه شناخته شده، برخی از اندیشمندان چینی به خصوص از مکتب دائوئیزم، واژگان دیگری همچون "جِن رِن" و "جی رِن" برای انسان آرمانی به کار گرفته اند. در میان ویژگی های برشمرده شده برای انسان کامل در فرهنگ و اندیشه چینی، خودسازی، توجه به مهر و خیرخواهی، نگاه به بالا و پرهیز از فرومایگی، توجه به دائو، کنترل خود و از خودگذشتگی و نیکی به دیگران از برجسته ترین آموزه ها و پایه ای ترین ویژگی های یک انسان آرمانی است.

به رغم اینکه بزرگان و اندیشمندان چینی هیچ کدام خود را انسان کامل، و یا حتی آرمانی و نمونه معرفی نکرده اند، با این حال در میان عوام، شخصیت هایی همچون کنفسیوس به عنوان انسان کامل شناخته و معرفی شده اند؛ شخصیتی که –گرچه هیچگاه از زبان منتقدان در امان نبوده- گاه قدیس و منزه از هر ناپاکی نیز خوانده شده و هنوز در میان چینیان برخی بر این عقیده استوارند.

آنچه از ویژگی های جون ز آمد گزیده ای از سخنان بزرگان و اندیشمندان چین است و البته بازگویی تک تک ویژگی ها از حوصله این نوشتار خارج است.

منابع

لائو زِ.(۲۰۰۸). *دائو دا جینگ*، نسخه ویرایش شده، انتشارات دانشگاه، پکن.

زنگ گوا فن.(۲۰۱۵). *تینگ جینگ*، گروه انتشارات یون نن.

وانگ یوئه چینگ.(۲۰۱۴). *متون کلاسیک فلسفی چین قدیم*، انتشارات خلق جیانگ سو.

یانگ بو جون.(۲۰۱۸). *ترجمه و شرح لون یو*، انتشارات کتاب چین، شانگهای

وانگ یانگ مینگ.(۲۰۱۸). *چوان شی لو (پرسش های شاگرد از استاد)*، انتشارات چانگ آن

خونگ ییینگ مینگ.(بی تا بی جا). *سَی گِن تَن*، نسخه آنلاین.

کلاسیک گوئِی گو زِ.(بی تا بی جا). *گوئی گو ز*، نسخه آنلاین.

کلاسیک دا شوئه.(بی تا بی جا). *زنگ زِ*، نسخه آنلاین.

کلاسیک لی جی.(بی تا بی جا). *زنگ زِ*، نسخه آنلاین.

چانگ نای دا.(۲۰۱۸). *تاریخ مختصر اندیشه در چین*، انتشارات کتاب،پکن.

زِنگ جوا.(۲۰۰۳). *دیدگاه منسیوس درباره «جون زِ»*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس شَن یانگ.

گائو جی مینگ و گو لانگ چین.(۲۰۱۱). *انسان کامل از نگاه دائوئیزم*، رو، و بودایی و معیارهای آن، نشریه ادبیات شمال، شماره ۴

تو شی بین.(۲۰۲۰). *بررسی رابطه انسان با خدا در دوره «شانگ» - با تکیه بر دعای باران برای* ، نشریه افق های جدید پیرامون حکومت آسمانی، شماره سوم.

چِنگ یون لی، *اندیشه کنفسیوس درباره سرنوشت و فرهنگ مردم چین*، نشریه دانشکده جامعه شناسی جیانگ نَن، دوره پنجم، شماره اول.

References

老子.(2008).道德经，北京大学出版，。

王月清.(2014).中国古代哲学经典，江苏人民出版社.

杨伯峻.(2018).论语译注，中华书局，年，上海。

涂世斌.(2020).论商代的天人关系——以人祭祈雨为例，天府新论，年，第 3 期。

成云雷.(2002).孔子天命思想与殷周文化传统，江南社会学院学报，第 5 卷，第一期。

常乃悬.(2018).中国思想小史，中国书籍出版社 年。

曾卓.(2003).孟子君子观研究，沈阳师范大学，博士毕业论文

儒、道、佛“完人”人格标准的道德分析.(2011).高志明古良琴，北方文学(下半月). (04)

洪应明，菜根谭， 电子版

鬼谷子，在线版本。

王阳明.(2018).传习录，中国长安出版社.

曾子，大学（经典）在线版本
曾子，礼记（经典）在线版本